آموزشهایی انقلابی از

ازسری مقالات آموزشی نشریه پیام خلق

کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران
۱۳۷۲

آموزشهائی :

انقلابی از مجاهدین

بسم الله الواحد . رب المستضعفین

بنام خداوند یکتا ، پرورش دهنده ضعیف نگه داشته شده گان

ومن اعتبر ابصر . ومن ابصر فهم ،

ومن فهم علم حکم ش ۱۹۹ نهج البلاغه

و آنکس که از تجربیات آموزش گرفت بینا شد (قادر به شناخت بهتر و اصولی گردید) و آنکس که بینا شد فهمید (قدرت درک او بالا رفت) و آنکس که فهمید ، دانا گردید .

تاریخ مبارزات خلق کبیر ایران در یکی از حساسترین مراحل خود قرار گرفته است. مبارزه انقلابی در ایران که با طرح تضاد بین امپریالیسم و خلق در جهت مبارزه رهائی بخش خود پیروز میدان مبارزه علیه دیکتاتوری محمد رضا شاهی وارتجاع وابسته به غارتگران بین المللی بدر آمده است فقط و فقط یک مرحله از راه طولانی خود را طی کرده است، راهی طولانی که در انتهای آن نابودی کامل بهره کشی انسان از انسان، نفی، طرد و نابودی کامل امپریالیسم، وارتجاع وساختمان جامعه توحیدی، بی طبقات و آزاد، ره آورد خلقمان میباشد.

اینک مقابله با امپریالیسم عمده ترین واصلی ترین مسئله جنبش است.

مقابله با جنایتکارترین پدیده تاریخ بشر یعنی امپریالیسم آمریکا که در بهترین فرم امکانات سرکوب و کشتار و تجاوز قرار دارد، حزبه اتکاء نیروی خلق و پوئیدن راه حق و برخورداری از دانش انقلابی، و

بهره‌وری از تجارب مبارزاتی وتاریخ خلق خودو دیگر ملل جهان میسر نیست.
عصرما، عصر انقلاب مستضعفین زمین است. خیزش امت مسلمان در الجزایر، فلسطین اشغالی، فیلیپین، ظفار، صحرا، چاد، تایلند. و بالاخره درایران و حرکت ظفرنمون خلقهای آمریکای لاتین و آسیای جنوب شرقی و آفریقا، دلیل مدعای ماست. عصرما عصرشکوفائی استعدادهاست. و مگرنه استعدادها را انقلاب میشکوفاندو مگرنه خونهای پاک پیشگامان و انقلابیون پاک و دلاور بهترین رشد دهنده نهال انقلاب است. شکوفه‌های سرخی که در صبحگاهان برسینه یک یک دلاورن مینشست، بی‌شک نمودی از شکوفائی، شکوفه های بهار انقلاب بوده است.
خلق کبیر ایران به پیشگاهی، پیشگامان مسلمان و مجاهدش تصمیم گرفت که توازن نیرو را بنفع توده‌های کوچه و بازاروخلق محروم دست پینه بسته بگرداند. کلام علی (ع) است که میگوید: "بایداولی‌ها، آخر

شوند و آخریها اول" این اراده خداست که در تصمیم توده‌های به ضعف کشیده شده تجلی عینی مییابد.

نگاهی اجمالی به چگونگی رشد و تکامل مبارزه در ایران راهنمای روشنی برای درک بهتر ضرورت‌های فعلی است.

جنبش مشروطیت در حدود ۷۰ سال پیش تحت تاثیر انقلابهای روشنفکری جهانی و بیداری ملت و تشدید استبداد به منظور از بین بردن سیستم حکومت خودکامه و برقراری - نظامی که در پرتو آن حقوق و عدالت اجتماعی یکسانی را برای ملت ما به ارمغان بیاورد، به قیادت قهرمانان دلاوری چون ستارخان و باقرخان و شهادت‌های مبارزین کبیری هم چون علی مسیو و دیگر یاران پیروزیهائی در کسب آزادیهای سیاسی و اجتماعی برای - ملت ایران در بر داشت.

ولی نتوانست رسالت یک مبارزه تاریخی را به انجام برساند. علت این امر بطورخلاصه درعدم دید دراز مدت داشتن رهبران قیام

مشروطیت در امر مبارزه، عدم داشتن دید روشن و تحلیلی از اسلام بعنوان تنها یاری کننده انقلابیون در حل معضلات و مشکلات ـ جنبش، عدم سراسری بودنش در تمام نقاط ایران و بخصوص خلع سلاح شدن مجاهدین تبریز در پایان کار به مثابه عدم داشتن قدرت آتش برای برقرارکردن و حلوگیری از به هرز آب کشاندن دستاوردها، همه و همه به برگشت دوباره ارتجاع و دوباره درقالب مشروطه طلب درآمدن عین الدوله و امثالهم انجامید اگر قیام مشروطیت بعنوان هدف مرحله‌ای ـ مورد توجه رهبران مبارزاتی بودمیتوانست نقش تاریخی‌خود را در راهگشائی و یاری توده‌ها به سمت تغیر زیربنائی(انقلاب)ایفا کند، اما علیرغم قدرت نظامی خوبی که مبارزین مشروطه طلب از خود نشان داده‌بودند به عللی‌که دربالا شمرده شد، بیشتر مورد ـ استفاده ضد انقلابیون قرار گرفت.

جنبش جنگل به رهبری مجاهد کبیر میرزا کوچک خان قدمی به جلو و فرم تکامل یافته مبارزه

را نشان داد. بدون شک میتوان این ادعا را کرد که نهضت جنگل اولین نهضت عصر اخیر است که منبعث از دانش انقلابی میرزا کوچک خان در کنکاش شیوه مبارزه، به جنگ چریکی توده‌ای در کوه و جنگل رسید و در جهت برقراری تعالیم عالیه اسلام با برداشت‌هائی نو در فکر و عمل از اسلام انقلابی، روشن ترین و اصیل ترین حرکت آن مرحله از مبارزات خلق ماست.

ایجاد جمهوری در گیلان یکی از دستاوردهای این نهضت بود. کمبودهائی که در این حرکت بود به اضافه وجود عناصر خائن و خیانتهای آنان و دگماتیسم ایدئولوژیک حاکم بر رهبران شوروی در عدم پشتیبانی از جنبش جنگل و ساخت و پاخت با استعمارگران انگلیسی، بهرحال شکست را با این نهضت پاک تحمیل کردند.

شیخ محمد خیابانی، انقلابی کبیر، که ضعف جنبش های قبل را در عدم داشتن آگاهی و فاصله عمیق توده‌ها و پیشتاز دیده بود، با یک حرکت آگاهگرانه ایدئولوژیک سیاسی که از

طریق خطابه و روزنامه تجدد نشر مییافت
مبارزه را درهمین زمان در آذربایجان سامان
میداد و در اعتقاد به مشی مسلحانه بعنوان
تنها راه حل یکدم نیز عقب ننشست .
قیام کلنل محمدتقیخان پسیان درخراسان نمودار
این مسئله است که نبرد مسلحانه به مثابه
یک شیوه و تنها و تنها شیوه پیروزمبارزه
از طرف کلیه رهبران آن دوره مد نظربوده
است و درجهت آن حرکت کرده اند .
با سرکوب شدن این قیامها ، خفقان رضاخان
قلدری و ترورهای وحشیانه او اصولا میرفت
که ریشه رجل سیاسی را در ایران بخشکاند .
مبارز شهیدسیدحسن مدرس مدافع منافع
توده های محروم ملت ما از قربانیان این
دوره است . دردوره بعدما شاهد مبارزات ضد
امپریالیستی خلق دلیرمان به رهبری دکتر
محمدمصدق میباشیم . وقوع جنگ جهانی دوم
و اثرات ناشی از آن درمیهن ما و مبارزه -
مصدق برای ملی کردن نفت و پنجه برپنجه
انداختن با استعمار انگلیس دریچه ای از -

آگاهی سیاسی در بعدحهانی‌اش برای خلق ما به ارمغان آورد.

ارتجاع داخلی بعنوان دشمن مرحله‌ای‌مطرح شد وعامل اصلی محرومیتها را درچپاول غارت گران بین المللی و بخصوص امپریالیسم مسلط انگلیس دیده بودند.

بدون شک این عامل درجهت دارشدن مبارزات و کسب شناخت بهتراز مبارزه برای مردم، قابل توجه است.

نهضت ملی دوره مصدق بطور مجموع در کنار تمامی نقاط مثبت و سازنده‌ای که داشت ضعف و کمبودهایش (که بطور مفصل درمقاله مصدق و نهضت ضدا تسعماری شماره های ۲و ۳ و۴ پیام خلق مطرح شده‌است) اجازه تداوم را بآن ندادو یکبار دیگرمزدوران برسرنوشت خلق ما حاکم شدند.

ولی بطور مشخص عمده‌ترین ضعف ادامه‌نیافتن انقلاب بخصوص در سطوح ضدامپریالیستی و - پاک نشدن آثار و بقایای آتش افروز غارت گران بین المللی بود. تمامی ضعفهای این

مرحله از مبارزه، منافذی را برای نفوذ نیروهای اشغالگر آمریکائی باز گذاشت و در واقع در ۲۸ مرداد ۳۲ میهن ما موردهجوم اشغالگران آمریکائی قرارگرفت. سرکوب وخفقان اوج گرفت و پسر رضاخان قلدرجرات یافت به حریم‌خلق ما تجاوز کند. تمامی دستاوردهای مبارزاتی ملت ما را ملعبه‌دست قرارداد و شروع به ساختن ویرانه‌ای‌ایران نمود.

۱۵ خرداد ۴۲ وخروش توده‌های خلق به‌امامت معنوی و مرامی حضرت آیت‌اله‌خمینی‌سرفصل دیگری در تاریخ مبارزات ما بود.

این بارخلق، ضعف پارلمانتاریسم (مبارزه در چارچوب مجلس وقانون) و رفرمیسم (برخورد قشری و اصلاحی) را به وضوح دید و خشونت امپریالیسم جهانخوار را که‌ازآستین شاه‌خائن بیرون آمده بودبه خوبی مشاهده کرد. نبرمسلحانه دستاورد ۱۵ هزارشهیدی بودکه خون پاکشان دراین روزهای بهاری ـ خاک وطن راگلگون کرد. مصدق کبیر نیز که

دراحمدآباددرتبعید بسرمیبرد درنامه‌ای
که‌به‌حسن صدر نویسنده کتاب الجزایرومردان
مجاهد نوشت لزوم مبارزه مسلحانه‌را مطرح
کردو ..... سربازان سپاه خدا ، محمد
حنیف‌نژاد ، سعید محسن و علی اصغربدیع
زادگان درتیرماه ۴۴ به ایجاد سازمانی
دست زدند که میبایست با درس‌گیری‌ازتاریخ
متعهدانه و پیگیر درجهت‌پرکردن تمامی
خلاء های موجود در نهضتهای گذشته حرکت‌کند
۱ـ مبارزه مکتبی(به معنای طرح اسلام‌بعنوان
یکمکتب و قبول معیارها و اصول انقلابی
مکتب ، و مبارزه برای اصول مکتبی، و ـ
سازش‌نکردن وخارج نشدن ازاصول‌مکتبی وبا
خون درهرشرایطی ازمعیارهای مکتبی‌پاسداری
کردن).
۲ـ مبارزه حرفه‌ای (طرح مبارزه بعنوان یک
فن، یک حرفه وتمام وقت درمبارزه بودن و
همه‌امکانات را درجهت مبارزه بسیج کردن ،
حل شدن درامر نبرد).
۳ـ حل پیچیدگی مبارزه و تضاد بین سرکوب

و خفقان با مبارزه انقلابی از طریق سازمانهای مخفی .

۴ـ قهرآمیز نمودن مبارزه و اتخاذ شیوه مبارزه مسلحانه .

۵ـ بکارگیری دانش انقلابی زمان درحل مشکلات ومعضلات امر مبارزه .

۶ـ درازمدت نگریستن انقلاب و مبارزه درـ جهت جامعه توحیدی بی‌طبقات و آزاد .

۷ـ وبزرگتر از همه ادامه‌دار بودن و به اصطلاح قرآن ابتر نبودن (دم‌بریدن نبودن) نهضت مجاهدین . اجتناب از قطبی شدن مبارزه .

نکته هفتم مسئله‌ای است که تمامی جنبشهای گذشته فاقد آن بوده‌اند در آن جنبش ها اصولا بعد از ضربه خوردن رهبری و شهادت افراد صادق آن، مبارزه تداوم خود را از دست میداد واین به‌جهت عدم ایفای نقش صحیح از طرف رهبری مبارزات بود . در اسلام امامت یعنی مرکزیت صالح (کادر مرکزی) یکی از وظائفش جایگزین کردن اصول وتربیت افراد برمعیار های مکتبی، بعبارتی بردن ایدئولوژی به

میان توده‌ها و ساختن کادرهای انقلابی از طریق اجرای دقیق امر به معروف و نهی از منکر برای مراحل بعد مبارزه‌است. و این دقیقا بزرگترین مسئله‌ای بودکه مجاهدین خلق بآن پاسخ صحیحی دادندو میدهند.

دکترعلی شریعتی، شهید شاهد، در سنگر حسینیه ارشاد باکارسنگین ایدئولوژیک تمام توانش را درجهت خط کشی بین اسلام راستین و مذهب ساخته شده ارتجاع گذاشت. و این خود دستاورد بسیارنکوئی دربرداشت که خلق باردیگر فریب مزوران، کعب الاحبارها و کسانی راکه درجناح راست سوء استفاده‌های ارتجاعی ازموقعیت اجتماعی‌اشان میکردند، نخورد. ودکان تمام این یاوه سرایان بسته شد.

خود اودرآخرین نامه به پدرش استاد محمد تقی شریعتی نوشت: " بروشنی پیداست که اسلام دارد تولدی دوباره میبابد" .واین جمله عصاره اثر کارانقلابی اوست.

عملگرد و تاثیر سازمان مجاهدین خلق را در رشد، قوام و شکل گیری مبارزات توده‌ها به مقاله دیگری موکول میکنیم ولی آنچه مقدماً قابل توجه است، شیوه‌ای است که مجاهدین خلق درساختن کادر انقلابی بکاربردند.

حقانیت راهی که مجاهدین خلق برگزیده‌اند واصالت آن بهترین گواه برای پیشگام‌بودنش میباشد.

مجاهدین خلق درعمل و درتاریخ ۱۴ ساله مبارزاتشان آنرا به اثبات رسانده‌اند.

اگرسازمان از غنای ایدئولوژیک کافی بر خوردار نبود و درعمل و تئوری حقانیت نداشت نمیتوانست از ضربه اپورتونیستی حان سالم بدر برد و ایدئولوژی توحیدی خود را حفظ کند.

واگرسازمان کمترین ناخالصی داشت درمبارزْ علیه جریان راست موفق نمیشد.

کارفکری و عملی مجاهدین آنها را بدون هیچ تردیدی پیشگامان آگاه خلق ایران قرارداد وتک تک مجاهدین الگو ونمونه‌ای برای نسل

حوان و مبارز ماشدند. آنها قرآن و نهج البلاغه عملی بودند و آموزش ازآنها برای قدم گذاردن درراه آنها باتوجه به اینکه جنبش کنونی احتیاج شدیدی به کادرهای ورزیده وساخته شده انقلابی دارد، ازوظائف هر مبارز حوان است.

خواهران، برادران، مبارزین جوان میهن خودسازی قدم اول و وظیفه دائمی،مبارزه است.

در شرایطیکه فرد مبارز در راه تعدیل ـ غرائز و بوجودآوردن صفات خدائیوخصوصیات انقلابی درخود، گامی بلند برنداشته و ـ خصوصیات و شرایط لازم برای مبارزه رادر ـ خود خلق نکرده‌است، دست یازیدن به هر مرحله عملی که خارج از تناسب نیروهاست، به ضرر آنست. زیرا فقدان این خصوصیات ازهم گسیختن درامر تشکیلات و جنبش و زیر پاگذاشتن اصول مبارزاتی و حل شدن درحریانات انحرافی را به دنبال خواهدداشت.

در لزوم خودسازی و خودراانقلابی بارآوردن

بهترین راهنما و منبع مقاله خودسازی انقلابی شهید شاهد شریعتی کبیراست . وبهترین شیوه خودسازی عملی، شیوه‌ای است که حنیف نژادها با آن علی وارشده‌اند. خودسازی‌ای ۱ـ هدفدار ۲ـ دائمی ۳ـ فارغ ازگرایشات این دنیائی گردآوری حاضر جمع بندی ای است که ازآثار منتشره مجاهدین خلق (۱) شده است .

لازم به تذکراست که‌این نوشته ها با هرگونه نوشته دیگری فرق اساسی دارد. درپس هرکلمه ازآن قطره خون‌مجاهدی یا فریادمجاهد شکنجه شده‌دیگری و مشقتهای کشیده‌شده‌وصبرانقلابی مجاهددیگری برمشکلات میدان نبردنهفته‌است آرزویمان آنست که تکتک این آموزشها درزندگی عملی‌تان تجلی یابد وبدینوسیله بزرگترین دین خودرا دراین مرحله به مجاهدین خلق‌ادا کنید .

قد بصرتم ان ابصرتم ، وقدهدیتم‌ان هتدیتم واسمعتم ان استمعتم " (حکم ۱۴۹نهج‌البلاغه "به‌شما بینائی‌داده‌اند (قدرت شناخت دارید)اگر چشم بگشائید وراه نموده‌اندا گرراه بیابید

وشنوائی بخشیده اند اگر بشنوید ".
کسی که نازپروره است ، کسی که احساس مسئولیت
زیاد ندارد و کسیکه درصدد رفع اشکالات خودش
نیسته حایش در اینجا نیست " (مجاهد شهید علی
ولی پور) "
انقلابی از مردم درس میگیرد و از آنها میآموزد و
میکوشد در راه خیر آنها قدم بردارد (مجاهدین)
"انقلابی وقتی راهی را بدرستی شناخت دیگر همین
آغاز درست برای پیروزی است (مجاهدین)
" بن بست مبارزه تنها بدست مردانی مومن و
مصمم در یک کلام ، انقلابی قابل گشوده شدنی است
(مجاهدین)
"ویژگی یک انقلابی با داشتن قلبی سرشار از عشق
به خدا و خلق و کینه ای پایان ناپذیر و آشتی ناپذیر
نسبت به دشمنان خلق است که کسب این ویژگی جز
حاصل یک زندگی انقلابی نمیتواند باشد .
(مجاهدین)
" یک انقلابی در خشم دد منشانه امپریالیسم
آخرین دقایق احتضار آنرا میبیند ... یک
انقلابی احساس میکند که اراده خلق اگر آزاد بشود

اگر یکانسان انقلابی بتواند نیروهای نهفته را بسیج کند، زنان طوفانی میتواند برانگیزد که هیچ قدرتی را یارای ایستادگی در برابر آن نیست و تجربه ویتنام بهتر از هرجای دیگر آنرا ثابت کرده است. (محاهدین)

" نبرد انقلابی عالیترین و یگانه شکل بنیانی و موشرحل تضاد انقلاب و ضدانقلاب است .

(محاهدین)

۱ـ لبه تیغ آموزش را باید متوجه درون افراد کرد. یعنی درخودسازی باید به تحول درونی و ازبین بردن خصلتها توجه کرد ونه صرفا به نمودهای خارجی آن یعنی نقش را تغییر بدهیم

۲ـ طرح برنامه خودسازی برای ازبین بردن نقائص فکری و جسمی خود، هرشخصی دارای ـ ویژگیهای خاص خودش میباشد، که باید آنها را شناخت وسپس ویژگیهای مثبت (نقاط قوت) را رشد داد وویژگیهای منفی(نقاط ضعف مثلا لومپنیسم) را برطرف کرد.

۳ـ شخصیت انقلابی دربرخورد با دردهای مردم رنجهای مردم و غمهای آنها شکل میگیرد و

اینستکه سرشار از فداکاری، شجاعت وصداقت میشود.

۴ـ همنشینی، تماس و معاشرت با مستضعفین زدودن زنگ غم از رخسارشان وآشنا کردن آنها با حقایق زندگی وحریاناتی که در اجتماع می گذرد." (اگر با توده های مردم ودرکنارشان نباشیم. اگر سالها در محیطی دربسته بمطالعه کتاب وتفکر بپردازیم:، محال است بتوانیم کوچکترین تغییری دروضع جامعه بوجود آوریم (محمدحنیف نژاد)

۵ـ آشنا شدن با دردها ورنجها وتلاش روزانه و مبارزات مردم فقیر واقشار مختلف خلق، ـ احساس مستقیم آنها، بخصوص شناخت شیوه های ارتزاق وزندگی آنها ومعضلاتشان برای سمت گیری دقیق تر در امر مبارزه.

۶ـ جوش خوردن با مردم، همکاری وهمدردی با آنها.

۷ـ سخن گفتن با مردم وبرای آنها درتمام ـ لحظات وبا تمام امکانات.

۸ـ پرحوصله ودلسوزبودن دربرخوردوهمنشینی با مردم.

۹ـ احترام گذاشتن به همه وارزش و شخصیت

قائل شدن برای همه .

۱۰ـ سعی درجلب اطمینان همه اقشار وطبقات مردم (ازتوده‌های محروم گرفته تا مامورین نظامی وامنیتی ـ رعایت اصول مخفی‌کاری ـ بطرز بسیار دقیق)

۱۱ـ ایجاد ارتباط با بازماندگان شهداء و خانواده‌های زندانیان سیاسی، شرکت درسختی های زندگی روزمره آنها ، برطرف نمودن ـ مشکلات مالی‌آنها . و ارتباط بیشتربا این نوع خانواده‌ها که‌آگاهی‌کمتری دارند . دراین زمینه باید به‌آنها آگاهی‌داد و درستی راه ـ فرزندانشان را برایشان مشخص نمودتا به حقانیت مبارزه وپیروزی‌نهائی‌معتقدوامیدوار شوند .

۱۲ـ پیداکردن دوست درکلیه اقشار و صنفها (کارگر ، دهقان، بازاری،دانشجو ،دانش‌آموز روحانی،کارمند ، ارتشی، پلیس و ....).

۱۳ـ قدردانی‌واحترام‌نسبت به‌جنبه‌های مثبت اشخاص .

۱۴ـ مطالعه برروی شهر ، ده‌ونقاط مختلف

وجامعه‌گردی بمنظور وسیله‌ای برای درک از نزدیک شیوه‌های زندگی مردم و شناخت منطقه وروحیات و احساسات مردم هرناحیه وضریب تاثیرات جنبش برآنها و ضریب تاثیرات تبلیغات دشمن برآنها شناسائی نیروهایشان وطرح برنامه‌برای استفاده‌ازآن‌نیروها ورشد دادن آنها درجهت مبارزه .

۱۵ـ بجای خانواده ، خلق راخانواده خود ـ قلمدادکردن وبدینوسیله شعاع اندیشه وعمل خودرا درپهنه وسیعی‌بسط دادن .

۱۶ـ حفظ پیوندهای دوستی، رفاقت ، همشهری گری، همکلاسی بودن و عواطف خانوادگی تا جائی که درراه مبارزه بکارآید .

۱۷ـ سعی دربدست‌آوردن سمپاتی‌از تمامی اقشار وطبقات برای جنبش بوسیله آگاهی دادن و ارشاد سیاسی ـ ایدئولوژیک آنها .

۱۸ـ شناخت بهترکسب کردن نسبت باینکه مردم درهرمرحله‌ایچه میخواهندوچگونه‌فکرمیکنند وبالاخره‌اقشارمختلف خلق درکدامین‌مرحله‌رشد سیاسی ـ ایدئولوژیک هستندتا پایه‌ای شودبرای

انطباق برراه صحیح واندیشه صحیح‌ودرسگیری ازمردم وتعمیق کارها برای بیشترمردمی‌کردن آنها نه‌بریده‌ازتوده وروشنفکرانه. واتخاذ برنامه‌صحیح تربرای گذاردادن مردم‌ازمرحله فعلی‌به مرحله متعالی تر.

۱۹ـ توجه عمیق ودائمی‌به‌رشدفکری(ایدئولوژیک سیاسی اسلامی)مردم کوچه‌وبازاروا قشار و طبقات دیگرخلق وپیداکردن بن‌بست های‌کار و پیداکردن شیوه‌های تازه‌تردربردن هرچه‌سریع ترآگاهیهای ایدئولوژیک سیاسی اسلامی‌بمیان توده.

۲۰ـ درس‌آموزی وتاثیرمثبت پذیری ازخوبیها بدیها، رنجها وشادیهای موجودوهرمسئله‌ای‌که پیشمیآید (انطباقی‌مثبت خودبا پیش آمدها)

۲۱ـ تقویت روحیه وبرخوردهمیشه شادبا مسائل (منجمله مسائل عاطفی)

۲۲ـ غلبه‌سریع برغم ورنج وهمیشه شادبودن

۲۳ـ تواضع، صداقته رکبودن، نظم، صبر، تیز بینی.

۲۴ـ داشتن هوشیاری، زیرکی وبکاربردن ابتکار

۲۵- مرتب ، منظم ، موقع شناس وموقع بین بودن ، صمیمی وبا وفا بودن .
۲۶- قاطعیت و سرعت عمل داشتن درکاری که شروع شده وپشتکار داشتن دربه پایان رسانیدن ونتیجه گرفتن از آن .
۲۷- قانع ، متین وموقربودن، داشتن تعادل و خونسردی درپیشامدها .
۲۸- اهمیت دادن به کارهای جزئی به اندازه خود شان نه بیشتر و نه کمتر .
۲۹- کم نشمردن کارهای عادی روزانه ازقبیل طبخ ونظافت و تبلیغ این مسئله که اینها هم جزئی از زندگی هرفرد است .
۳۰- درجه بندی کارها وتقسیم بندی وقت وانرژی برای انجام آنها براساس اهمیتشان .
۳۱- عدم فراموش کردن مسئولیت مهمتر .
۳۲- درعین حالیکه باید بین کارهای اصلی و فرعی فرق گذاشت ، نباید برخی مسائل کوچک راکه درنهایت ، تکامل فردوجامعه موثراست ازنظر دورداشت .
۳۳- ساده زیستی بله ، لاابالیگری نه

۳۴ـ عدم تلف کردن وقت ، انرژی ، دانش ، فکر و مال خود در مسائل غیر اصولی در جهت های غیر مثبت .

۳۵ـ حساب باز کردن حتی روی یک دقیقه و یک ریال

۳۶ـ آموزش از همه چیز بمثابه وظیفه دائمی (همه فن حریف شدن)

۳۷ـ عدم مخالفت با امری که اطلاعی از آن نداریم

۳۸ـ عدم دگم بودن، مطالعه مکاتب و تاریخ ملل مختلف و کسب جنبه های مثبت آنها .

۳۹ـ اجتناب از تقلید کورکورانه ،همیشه با دلیل و آگاهی کاری را انجام دادن .

۴۰ـ پشتکار ،کوشش عاشقانه و عدم شناختن خستگی در جهت به نتیجه رساندن کارها .

۴۱ـ تمام کردن کاری که آنرا شروع کرده ایم ، هرگز نباید کاری را نیمه رها کرد .

۴۲ـ اجتناب از پرتوقعی .

۴۳ـ عدم مطلق گرائی، هر پدیده ای را نسبی بررسی کردن (هیچ پدیده ای نه مطلق بد است و نه مطلق خوب)

۴۴ـ عدم اتکاء مطلق برهیچ‌نیروی مادی، این مسئله به انسان اجازه میدهدکه همیشه آماده باشد وخلاقیت واتکاء به نفس را ازدست ندهد.

۴۵ـ کوشش درکسب بالابردن قدرت انطباق مثبت خودبا هرمحیط اجتماعی.

۴۶ـ اجتناب از منفی بافی ولفاظی‌ودروغگوئی

۴۷ـ تقویت روحیه جوینده بودن.

۴۸ـ اجتناب ازخوش خیالی‌وخیال پردازی.

۴۹ـ قبول وانتخاب وانجام آگاهانه هرعمل.

۵۰ـ عدم پذیرفتن کاری‌که ازقدرت و توانائی انسان‌خارج است وجدیت درانجام عملی‌که انسان برای عملی‌کردن‌آنرا پذیرفته است.

۵۱ـ عدم نیروگذاشتن‌وصحبت کردن بیش ازحد لازم درمورد هر موضوعی.

۵۲ـ برخوردهمیشه صادقانه‌وتحلیلی‌به قضایا درهرمحیط اجتماعی(خانواده ،دوستان، محل‌کار تحصیل و .....).

۵۳ـ اخلاص بعنوان بهترین سپردرمقابلهٔ لفظی.

۵۴ـ نبستن‌چشم‌خودبه هیچ‌وجه برروی‌هیچ‌مسئله‌ای

۵۵ـ شروع‌هراصل‌وحکمی‌ابتدا ازطرف خود (مثلا

برابری مساوات ،فداکاری،قبول مسئولیت و ..)
۵۶ـ پیشقدم ونمونه بودن درهرعمل نیکی بخصوص آنچه که بدان اعتقاد داریم .
۵۷ـ تحرک فکری و عملی داشتن،اجتناب ازبیکاری
۵۸ـ کاربرای تامین معاش وصیقل وجلادادن روح و جسم .
۵۹ـ اقرار به حقیقت ، تن دادن به حقایق .
۶۰ـ عدم محورقراردادن خودومنافع خوددرامر قضاوت .
۶۱ـ انتقادوانتقادازخودبمثابه تازیانه ای ـ برای کشاندن نفس به راه صحیح وتنبیه آن .
۶۲ـ صداقت وصراحت درانتقاد. انتقاد بدون انتقاد
۶۳ـ اجتناب ازجواب دادن بلافاصله به انتقاد ، بلکه فکرکردن روی آن .
۶۴ـ عدم گرفتن ژست انتقادپذیرانه وبعدتقصیر راگردن دیگری انداختن وخود را مبری ازاشتباه جا زدن .
۶۵ـ اجتناب ازانجام دادن دوباره یک عمل اشتباه
۶۶ـ درس پذیری ازتجارب افرادوتاریخ .

۶۷ـ بخاطرسپردن تجارب عملی و فکری هرچندکوچک
۶۸ـ ازبین بردن نقاط ضعف (ازقبیل روحیه لومپنی و یا غیگری و تکروی) بوسیله برخوردهای جمعی و زندگی گروهی که ملزم به نظم وروحیه تشکیلاتی با یدبود و تبدیل آنها به نقاط قوت
۶۹ـ تنظیم کردن همه کارهای یک فرد در کار جمع
۷۰ـ بالا بردن قدرت کار جمعی
۷۱ـ ازکلیه فعالیتهای دست جمعی درست مانند یک کلاس تجربه اندوزی استفاده کردن
۷۲ـ برترشمردن منافع جمع برمنافع خودی
۷۳ـ دورکردن هرگونه خودپسندی وتنگ اندیشی قومی و صنفی
۷۴ـ عدم ادعا ، عدم تکلف
۷۵ـ استفاده ازنعمات طبیعی به حد اعتدال، روزه داری برای تهذیب نفس وبالابردن مقاومت
۷۶ـ خودرا به سختی سپردن، بالابردن قدرت تحمل
۷۷ـ دل نبستن به ظواهر مادی زندگی (درس ،دانشکدهٔ رتبه ، مقام ، زن ، فرزند و .....)
۷۸ـ معنی عمیق تر و وسیع تر بخشیدن به زندگی به وسیله انتخاب هدف والاتر و برتر .

۷۹ـ مهم شمرن "عرض" عمرنه" طول" آن
۸۰ـ عدم تا بعیت محض درمسا ئل وجریا نا ت
برخود، کهاینمهم‌بوسیله حربه‌تفکرکه با ع
گشا یندگی راه میشود، مرتفع میگردد.
۸۱ـ حل نشدن درگندا ب محیطهای گونا گون و
چیز ا نحرا فی
۸۲ـ فعا لیتهای اجتما عی‌همموا ره جزئیا زززندگ
۸۳ـ تلفیق مثبتکا ر، تحصیل وفعا لیت ا جت
درجهت و بنفع مبـا رزه
۸۴ـ پیدا کردن را ه منطقی وعلمی مقا بله
با مشکلات و موا نع
۸۵ـ حل تضا دها وا زبن‌بست درآوردن مسا ئل
گرفتن ا ز فکر و تجربه
۸۶ـ پیدا کردن را ه ، درعمل وبتدریج وبا
ا زطریق آ زما یشکهالبتهامکا نخطا همیشه هس
۸۷ـ تفکربرحوا دثیکهاتفا ق میا فتدوکنا ره
گذا ردن حوا دث مختلف‌ودا شتن‌تفسیرکا ملیا
۸۸ـ همیشه دا شتن تفسیرها ئیا زجریا نا ت
سیا سی و ا جتما عی کشور و جها ن

۸۹- همیشه داشتن بحث نو برای طرح

۹۰- همیشه داشتن مسئله‌ای مثبت برای فکر کردن

۹۱- بالا بردن قدرت جمع بندی و بیرون - آوردن قانونهای عام ازدرون مباحث

۹۲- سعی درافزودن احساس مسئولیت خود و دیگران

۹۳- کوشش برای ترغیب اطرافیان بکاری جدی‌تر و پیشنهاد دادن وخود همیشه پیش قدم بودن

۹۴- درک ضرورت مبارزه با وضع فاسد ،درک ضرورت مبارزه علیه ستمها واستثمارها ،درک ضرورت اتخاذ شیوه علمی حساب شده برای - مبارزه

۹۵- درجستجوبودن راهی برای بهترانجام وظیفه نمودن ومبارزه‌کردن (راه چاره : مطالعه مدون ،کارتحقیقی،آشنائی‌با افکار ونظریات مختلف اجتماعی- مطالعه‌تاریخ‌ملل استعمارزده ، مطالعه‌جامعه‌خودی با دقت و احساس مسئولیت) .

۹۶- جهت دادن به کوچکترین اعمال خودبنفع

مبارزه بسیج همه امکانات خودرراه مبارزه
۹۷- خودشناسی ونیروسنجی بمثابه امری -
ضروری درمدارج مختلف امرتشکیلاتی مبارزه
۹۸- برخوردواقع‌بینانه با مسائل اجتماعی و
تعیین شخصیت خود (درجه وصلاحیت وقدرت) و
تعیین وظیفه‌خود (تعیین مختصات خوددرصحنه
اجتماع).
۹۹- رساندن خودبه‌نقطه‌ای‌ازآمادگی برای -
شروع هرمرحله از مبارزه
۱۰۰- معنی‌دادن وخلاصه‌کردن‌زندگی با همه‌ابعا
و خوشیها وناخوشیها درمبارزه (حاکمیت چنین
اندیشه‌ای است‌که باعث میشودوجودانقلابی
از انقلاب تجزیه ناپذیر گردد).
۱۰۱- عدم اشتغال به فکری غیر از مبارزه
۱۰۲- حل شدن درمبارزه ، نداشتن چیزخصوصی
برای خود
۱۰۳- کانالیزه‌کردن همه‌امکانات خود (درس
دانشگاه ، آزمایشگاه ، کار ، مهارت)بسمت
مبارزه‌اجتماعی
۱۰۴- حل تضادوابستگی به خانواده وامرمبا

، مبارزه

ـ خدمت به مبارزه درهرشرایطی که بـــرای
ن بوجودآمده است (درهیچشرایطی نباید از
شه مبارزه جدا بود).

ـ نباید گذاشت هیچ عملی ارادهوتصمیم ـ
ن را به مبارزهتا پیروزی سست کنـد.

ـ گذاشتنمبارزهدرمتنزندگیبخاطرپیشرفت
ارزه

ا ـ فکرکردن وتوجه داشتن بههدفه نه بـه
ـی و طولانی بودن راه

ـ نفرت داشتن از شرایط استثماری ودشمن
ا به امری که انسانرادرمبارزه، پیگیـرو
ت قدم نگه میدارد.

ـ درک استثمار و اسارت نهازدرون کتابها
ی مشاهده بلکه درطول زندگی وبوسیلهلمس
ن با پوست وگوشت خود. (شرکت درکارتولیدی)

ـ بالابردن حس تنفرنسبت به دشمنان مردم
یله توجه وتماس با زندگی محرومترینا قشار
دآوری فجایع قبلـی

ـ عشق بیپایان بهخلقوکینه ونفرت عمیق

به دشمن

۱۱۳ـ تبدیل کینه به قهر انقلابی در مقابل دشمن

"در زیر تازیانه های استعمار باید آموخت که هیچ رابطه جوانمردانه ای بین استعمار زده و دشمن امکان پذیر نیست . هرچه هست یا اسارت است یا نبـــــــرد .

۱۱۴ـ پیکار آشتی ناپذیر و مداوم و سراپا عشق در راه خدا یعنی در راه کسانی که در جامعه مورد ستم قرار گرفته اند از مردان، زنان و کودکان

۱۱۵ـ نشان دادن خشونت انقلابی در مقابل دشمن و تسلیم ناپذیـــری

۱۱۶ـ در اسارت دشمن، خشم و تنفر از دشمن و عشق بی پایان به خلق و ایمان خلل ناپذیر بـــه حقانیت ایدئولوژی اسلام و توکل و امیدواری به خدا ، باید سلاح برنده مبارز باشد .

۱۱۷ـ بیدریغ از خود مایه گذاشتن در امر مبارزه ایثار صادقانه همه امکانات در جهت مبارزه ـ "ارزش هرکس در مبارزه به اندازه مایه ای است که در این راه میگذارد" مجاهد شهید علی اصغـــر بدیع زادگـــان .

۱۱۸ـ فکرکردن‌دائم به‌انقلابه توده‌ها ، ویاران وعهد و پیمانها (بخصوص درحین گرفتاری)

۱۱۹ـ همیشه درفکرانقلاب بودن، همیشه درفکر برداشتن موانع راه بودن، همیشه درجستجوی ـ راهها وشیوه‌های‌گوناگون وبعدانتخاب بهترین گویاترین و پرثمرترین آنها .

۱۲۰ـ عدم فراموش‌کردن وفاداری‌به خلق و مسئولیت نجات جامعه ازقید ستم

۱۲۱ـ نو کردن شیوه‌مبارزاتی درمراحل مختلف تکامل مبارزه

۱۲۲ـ افشای یک یک خصوصیات ضدتکاملی‌وضد انقلابی دشمن وکوشش درترغیب مردم برای نابودی آن

۱۲۳ـ افشای سیاستهای دشمن وچهره‌مهره‌های آن وافشای سیاستهای سالوسانه‌وغیرانقلابی بزبان توده (آنچنانکه‌مردم کوچه وبازار درک کنند) .

۱۲۴ـ پیداکردن تضادهای گفتار بوقهای تبلیغاتی دشمن و همچنین مصاحبه‌های سران دشمن وافشای این تناقض‌ها وبدینوسیله

نشاندادن حیله‌ها ودروغهای دشمن درعمل و حرف

۱۲۵- بیان‌کردن‌وتوضیح علتهای هرمسئله (از موانع و آرمانهای سازمانی‌گرفته تاهرچیز دیگر) برای روشن کردن مسائل وعمق بخشیدن به آگاهی سیاسی، ایدئولوژیک توده وگسترش دادن مبارزه و روآوردن فوج فوج مردم به مبارزه وپشتیبانی‌از مبارزین.

۱۲۶- شناساندن چهره‌های انقلابیون بوسیله بازگوکردن منشهای انقلابی‌آنان، شناساندن اهداف و آرمانهای انقلابی آنها، علت شهادت وچگونگی مبارزه انقلابی آنها و .....

۱۲۷- تلاش جمعی برای برگزاری یادبودشهداء یادبود حوادث و اتفاقاتیکه بنحوی درارتباط باجنبش میباشد.

۱۲۸- استفاده ازهرمسئله کوچک برای روشن گری و افشاگری(امربه معروف ونهی ازمنکر)

۱۲۹- سعی دربا سوادکردن افرادبیسوادجامعه بعنوان ایجاد پلی‌برای برقرازی ارتباط - فکری، فرهنگی با آنها و ساختن پشتوانه‌دفاعی

فکری از انقلاب وهمچنین شکوفا شدن استعداد های نهفته در آنها .

۱۳۰- طرح و انجام برنامه هائی‌که اکثریت توده آنرا بطلبد وبدینوسیله کسب حمایت توده ها از پیشگام انقلابی

۱۳۱- توجه دقیق به اصل "جلوگیری از وارد آمدن خسارت بمردم در عملیات

۱۳۲- عدم اجازه دادن به دشمن در بهره برداری از اشتباهاتی‌که در مبارزه از طرف سازمان یا گروه انقلابی انجام میشود . اینکار با توضیح عوامل موثر در انجام اشتباه ، اعتراف بخطای انجام شده ، انتقاد صادقانه از خود ، کوشش در جهت اصلاح آن ، پوزش خواستن از پیشگاه خدا وخلق وعدم تکرار آن در ادامه مبارزه ، انجام شدنی است .

۱۳۳- با توجه به نظریات مردم ، انجام عمل و توضیح آن واجازه قضاوت را به مردم دادن - بمنظور ۱- رعایت اصل عدالت ۲- تصفیه کردن برداشتهای خود و از دست دادن ذهنیت بی‌پایه ای که احیانا قبلا در تصمیم گیری موثر بوده

۱۳۴- شناساندن عامل اصلی وتضاد اصلی هر مسئله ایو راه حل ارائه دادن برای حل تضاد اصلی وعمل به راه حل.

۱۳۵- همگانی کردن سیاستها ، شعارها وتاکتیک های جنبش .

۱۳۶- تبلیغ سیاسی مطابق با مصالح جنبش .

۱۳۷- تبلیغ تنها راه درست مبارزه یعنی جهاد مسلحانه وتنها ایدئولوژی رهاننده - (درابعادگسترده رهائی) یعنی اسلام ودفاع ازشیوه های مبارزاتی گوناگون بمنظورنگه داشتن وحدت نیروهای مبارز و به نشانه - اعتقاد عمیق به رشدمرحله ای نیروهای مختلف "بی تردیدخلق صرفا " به ندای خطیبانی گوش فرا میدهدکه کلامشان سربی است" مجاهد شهید محمدبازرگانی .

۱۳۸- بررسی وارزیابی تاثیریکه هریک از - گروهها یا اقشار خلق با مبارزاتشان (شیوه های متفاوت مبارزاتی)دررشدیا عدم رشد جنبش گذاشته اند .

۱۳۹- ارزیابی کردن دقیق مبارزات قشرهای

مختلف مردم برای مشخص کردن کاردراز مدت
ووظائف فوری و مرحله‌ای .
۱۴۰ـ سعی درایجاد اشکال آگاهانه‌تر ، سیاسی
تر ، سراسری‌تر و سازمان یافته‌تر ازمبارزه
درنیروهای مختلف خلق .
۱۴۱ـ توجه به ماهیت مخاطب هنگام طرح هر
مسئله‌ای بمنظور اتخاذ شیوه صحیح در طرح
وبالابردن ضریب تاثیرآن و جهت بخشیدن به
طرح و اثر آن
۱۴۲ـ ارزیابی‌کردن دقیق مشکلات وآماده ـ
نمودن خودبرای برخورد با خطرات
۱۴۳ـ حفظ امکان برگشت و تصحیح تصمیم اتخاذ
شده بمثابه مسئله‌ای برای‌همه‌چیزرا نباختن
۱۴۴ـ مثبت شمردن دشواریها بمثابه وسائلی
برای رشد ، دشواریها نه تنها دلیل سر
خوردگی‌ویاس نیستندبلکه بسیارهم خوبند .
زیرا تنها شدایدوشرایط مشکلندکه یک عصیانگر
انقلابی‌را آبدیده میکنند .
۱۴۵ـ درس گیری‌ازشکست وکسب توانائی‌تبدیل
آن‌به‌پیروزی(بایدامر بدرا به امرخوب ـ

تبدیل کرد).

۱۴۶ـ مبارز نباید دربرابر حجم حادثه وضربه خورده شده خود را ببازد .

۱۴۷ـ شکست همیشه از ناحیه ضعف شکست دیده است نه هوشیاری وقدرت حریف .

۱۴۸ـ دردرون هرشکستی عوامل ونطفه های پیروزی وجوددارد (جمع بندی، عبرت آموزی وکشف نقاط ضعف) ودردرون هرپیروزی عوامل شکست (مثلا غرور واحساس بی‌نیازی از حرکت) موجوداست .

۱۴۹ـ مسئولیت وتوانائی تاثیرگذاری مثبت برهرجریانی که انسان درآن دخالت مینماید .

۱۵۰ـ رشددادن استعدادها وهمه فن حریف شدن برای انطباق خودباهر محیطی .

۱۵۱ـ کشف پیگیرانه ومسئولانه علل مشکلات اجتماعی

۱۵۲ـ همیشه درپی ایجادمحیطی مناسب برای مبارزه بودن .

۱۵۳ـ تلاش برای کشاندن دوستان و رفقای نزدیک بسمت مبارزه صحیح وجانزدن درمبارز

۱۵۴ـ سعی درواردکردن ضربه های هرچه قویتر

به پیکر پوسیده دشمن .
۱۵۵- درس پایداری، درس ایمان داشتن به خلق، درس "مرگ را پذیرفتن ولی همزیستی با دشمن را نپذیرفتن را به عنوان درس زندگی دانستن .
۱۵۶- کوشش وتلاش برای حفظ دستاوردهای فرد و سازمانی .
۱۵۷- حل شدن در امر مبارزه .
۱۵۸- دریک نظام ضدانسانی باید همه چیز در جهت نابودکردن آن نظام عمل کند .
۱۵۹- آشتی دادن اندیشه ،ابزار، عمل
۱۶۰- رعایت کلیه اصول (چه اصلی وچه فرعی) مبارزه (ایدئولوژیک ،تشکیلاتی، سازمانی، مخفی کاری (....)
۱۶۱- رساندن خودبه نقطه ای از آمادگی که قدرت حفظ خودرا درمقابله باوقایع غیرقابل پیش بینی داشته باشیم .
۱۶۲- یک مبارز باید هرعملی را دقیقا زمانی که تعیین شده است انجام دهد . قبل از موعد مقرروبعدازآن نباید مبادرت بانجام آن بنماید

اینیک امر تشکیلاتی است .

۱۶۳ـ داشتن استراتژیدقیق ودرازمدت ووالا درمبارزه ، تحقیق ابعاداین استراتژی با فهم عمیقاز ایدئولوژی"ضعف استراتژی ناشی ازضعف ایدئولوژیاست " مجاهدشهیدمحمدباقر عباسی.

۱۶۴ـ مهم شمردنهدفه جدیداشتن مسائل، ـ صراحتواستقامت درحقیقته مصمم بودن برای اجرای تصمیم درست گرفته شده

۱۶۵ـ عدم نشخواردانسته ها برای ارضاء حس روشنفکری

۱۶۶ـ عمل متناسب با دانسته ها (با توجه به شرایط زمانیومکانی)برای تعمیق.هرچه بیشتر شناخت وحلوگیریاز تکرارنوسانیشکل راهها وحرفهای قبل .

۱۶۷ـ برتریدادن بهدانش زنده برداشتن کتابی(برایدرک قانونمندیهربخش ازطبیعت بایددرآنقسمت عمل کنیم (مجاهد شهید محمد حنیف نژاد) .

۱۶۸ـ محورقراردادن تقوی خدا برای شناختن

افراد و ارزش بخشیدن به مسائل همیشه باید حساب کرد که چه کسی در چه شرایطی است و موضعگیری او چه ارزشی میتواند داشته باشد.

۱۶۹ـ ما نباید خود و یا دیگران را مطلقا خوب یا عاری از عیب و مطلقا و یا فاقد هر حسن بدانیم

۱۷۰ـ عدم بهاء دادن بیش از حد به شناسائیهای خود عدم مطلق دانستن آنها.

۱۷۱ـ داشتن موضعگیری مناسب نسبت به ایرادات و انتقادات دیگران.

۱۷۲ـ کشف ارتباط بین پدیده ها و اتفاقات سیاسی که به ظاهر کمتر و یا هیچ ارتباطی با هم ندارند و تشخیص جنبه های مشترک آنها.

۱۷۳ـ بیرون آوردن قوانین عام از مطالعه تاریخ و بررسی حوادث گذشته و انطباق آن با موارد خاص مرحله فعلی جامعه ما.

۱۷۴ـ نوآوری پیوسته در تئوری و عمل و شیوه مبارزاتی و ابتکارهای تازه در همه موارد.

۱۷۵ـ لزوم یادگیری زبان عربی.

۱۷۶ـ مطالعه عمیق و دقیق روی قرآن و نهج البلاغه و درس آموزی از آنها.

۱۷۷ـ بررسی مفاهیم آیات قرآن با یک بینش همه‌جانبه و شکل بخشیدن به پیامهایش متناسب با زمان با توجه به دینامیسم قرآن (رعایت اصل اجتهاد) بمنظور مصون بودن از برداشتهای دگم.

۱۷۸ـ مهم شمردن و تنها اصولی دانستن قضاوت دادگاه عدل الهی.

۱۷۹ـ اعتقاد به خصلت رشدیابنده حقوق و تحلی آن در مبارزه عادلانه.

۱۸۰ـ بستن راه تکرار اشتباهات بوسیله اطاعت از شیوه‌هائی که ایدئولوژی اسلامی برای مبارزه مطرح میکند و توجه دقیق به تجارب و دستاوردها و کاربستن آنها در میدان عمل.

۱۸۱ـ انتخاب راه بعد از توجه به جمیع جهات و امکانات.

۱۸۲ـ اعتقاد عمیق داشتن به مرحله‌ای بودن مبارزه و تلاش در فهمیدن درست حل عاقلانه مشکلات و معضلات خاص هر مرحله از آن.

۱۸۳ـ داشتن تقوی خداگونه در شناسائی و عمل

۱۸۴ـ اتکاء نقطه عزیمت حرکت فرد یا گروه بر

"حرکت از درون" اصلاح ساختن و انسجام یافتن ایدئولوژیک سیاسی و همچنین برای یکسان انقلابی کسب قدرت نظامی است .

۱۸۵- توضیح دادن ضرورت عملی که بآن دست میزنیم برای توده ها .

۱۸۶- برای کسب نتیجه مطلوب باید شکل اصلی نبرد را با اشکال فرعی اش تکمیل کرد .

(ضرورت کار تبلیغاتی در حاشیه عملیات نظامی و بعنوان مکمل آن) .

۱۸۷- بکار بردن نهایت دقت ، علاقه ،جدیت ، و نوآوری در کلیه کارهائیکه به مبارزه محول میشود .

۱۸۸- استفاده تا آخرین حد از امکانات حتی امکانات جزء ، مجاهد در این رابطه با استفاده از فکر و قدرت ابتکار ، تا رسائی امکانات را تکمیل کرده و موجب خلق ارزشهای بزرگ میشود

۱۸۹- بالا بردن قدرت درک شرایط و امکانات زمانی و مکانی .

۱۹۰- اندیشه ،جسارت،جانبازی، تقوی، سعه صدر ، صداقت خصوصیتهای یک مبارز انقلابی است .

۱۹۰ـ عدم‌ساده‌اندیشی درامرمبارزه‌وهرامر دیگر

۱۹۱ـ هدف دقیق داشتن درمبارزه (ترس ووحشت ویاس ازپیروزی همیشه‌قربانیش راازمیان کسانی انتخاب میکندکه‌نمیدانندازمبارزه خودچه‌چیزی راطلب میکنند. مجاهدشهیدرضا رضائی)

۱۹۲ـ بایددرقبول ویاردنتیجهٔ عملی یاخود عمل به‌قبول ویاردکردن زیربنای آنومعیارها پرداخت یعنی متوجه‌علت شد، نه‌معلول.

۱۹۳ـ مطالعه‌وآشنایی باشیوه‌های عام‌وخاص مبارزه‌وتوجه‌دقیق به‌شیوه‌های خاص برای رسیدن به‌هدف.

۱۹۴ـ توجه‌عمیق به‌توطئه‌ها وشکلهائی که درپس آنها محتوی ضدانقلابی خودرا پنهان میدارد، شناخت پیداکردن ازتضیقات دشمن علیه‌انقلاب ومردم‌وسعی درافشای آنها. وکسب توانائی مقابله‌با آنها.

۱۹۵ـ ارتجاع همواره‌میکوشدسنگرها را عوض کند، انقلاب وظیفه‌داردقبل ازاوسنگرها را

تغییر داده باشد تا ابتکار عمل را در دست گیرد. بدین وسیله ضعف امکانات از بین ببرد.

۱۹۶- دستگیری از تاریخ برای عدم ارتکاب دوباره اشتباهات و جمع بندی تجربیات گذشته بعنوان مشعلی فرا راه آینده.

۱۹۷- شناخت وحدس تحلیلی عکس العملهای آینده دشمن در مقابل عملهای آیندهٔ جنبش و بستن راه هرسوء استفادهٔ دشمن را که بمنظور ثبات خودش و ضربه زدن به جنبش به آنها دست میبازد.

۱۹۸- شناخت راهها و شیوه هایی که برای جدا کردن تودهٔ مردم از پیش تازانقلابی و بخصوص برای جدایی انداختن بین قشر متحرک و کمک کنندهٔ اول جنبش (جوانان) و پیشتازانقلابی اتخاذ میکند و سعی در افشای این توطئه ها.

۱۹۹- سعی در برهم زدن برنامه های در دست اجرای دشمن و در نطفه خفه کردن آنها بهر شکل ممکن با ازدادن اعلامیه و افشای توطئه

ها وخیانتها وشکافتن علل وافشای نتایجی
که دشمن از این طرح میخواهد بگیرد

۲۰۰ـ توجه ـ ومطالعه روی نتایج طرحهای
امپریالیزم در مقابله با جنبشهای کشورهای
تحت سلطه ونتایج طرحهای ارتجاع داخلی

جنبشهای خلق زحمتکش ایران درطول تاریخ

۲۰۱ـ توجه به مسائل سیاسی ـ ایدئولوژیک
روز وسعی درطرح وجوابگوئی به سئوالات ـ
مربوطه به آن عدم هسته قرار دادن مسائل
کلی وانتزاعی .

۲۰۲ـ اعتقاد عمیق نسبت باین اصل که
شکل وشیوهٔ مبارزه باید روز بروز نو وتکامل
یافته‌تر شود .هر تضادی ، شکل مبارزاتی
خاص خودش را میطلبد .

۲۰۳ـ یادگیری علم انقلاب زمان .
انقلابیون باید علم انقلاب زمان را فرا
گیرند . علم وتئوری دانش بشر در اثر
برخورد با دنیای خارج وکار (عمل) بوجود
می آید ، که خود مقدمه‌ای برای کسب دانش

وجریان تکامل یابنده‌اش درتفکرانسان میشود. این علم‌وقتی شکل انقلابی بخود میگیردکه‌برای تغییرجامعه‌بکارگرفته‌شود. "علم‌انقلاب زمان" ما چنین متدولوژی انقلابی را تجویزمیکندوفراگرفتن آن برای کلیه مبارزین که‌نخواهندجوامع خودرا بطورعلمی وانقلابی تحلیل کرده‌وتغییردهندلازم‌وواجب است. بدون درک عمیق علم‌انقلاب درعصر حاضر، درک عمیق وتحلیل کم‌وکیف جامعه امکان پذیرنیست.

مجاهدشهیدعلی میهندوست

۲۰۴- عدم‌کسب دانش انقلابی بصورت محفوظات وکپیه‌برداری ازدیگران

۲۰۵- تفکرپیرامون هرمسئله‌ودلیل خواستن برای هرامری.

۲۰۶- تجزیه‌وتحلیل عمیق انگیزه‌های مختلف که‌موجب دست زدن به‌عملی ازطرف ما یا دیگران میشود.

۲۰۷- اجتناب ازجدایی انداختن بین اعتقادوعمل. شعارها بایددقیقا منطبق برعمل وتوضیح دهنده‌ٔ آن باشد.

۲۰۸ـ محکوم‌کردن شیوه‌های راحت‌طلبانه و ناموفق و برگزیدن راه‌دشوار و طولانی ولی موفق .

۲۰۹ـ رساندن اخبار به اقشار مختلف خلق تا حد امکان.

۲۱۰ـ پشتیبانی ـ حمایت و یاری پیشتاز انقلابی فریاد در مقابل ستمکار و تجاوزکار همراه با راه و نقشه صحیح و موثر .

۲۱۱ـ در برخورد با سایر مکاتب باید از قانون عام تغذیه موجودات زنده پیروی کرد .

۲۱۲ـ برای شناخت افراد سازمانها ـ حزبها و ملل یکی از بهترین معیارها اینست که دید و فهم آن فرد ، سازمان و ... را از مبارزه بدانیم و آرمانهای آنها را بشناسیم .

۲۱۳ـ بررسی دقیق ، تحلیلی و علمی عواملی که در اتخاذ یک نقطه‌نظر ، خط مشی ، تاکتیک مبارزاتی و استراتژی موثر بوده‌اند بمنظور پی بردن به حقانیت یا عدم حقانیت موضوع اتخاذشده و دستگیری از آن .

۲۱۴ـ توجه دقیق باین موضوع که ارتجاع در مقابل هر موفقیت تازه جنبش ، بنا به

ماهیت درونی اش موضوع جدیدی بـــــرای
بی اعتبارکردن جنبش ازطریق تبلیغـــات

یا بهره‌بری سوء ازآن دستاوردازطریـــــق
توطئه وحیله اتخاذخواهدکرد.
۲۱۵ـ با تحلیل درست ازدشمن میتـــــوان
ازقبل دست اوراخوانده وتمام‌دردهـــــا را
برروی اوبست دراینصورت اگردشمن در ـ
سطوحی به موفقیت هایی برسدباید علـــــل
یابدعلل آنرا در صفوف انقلاب جست و ضعفهای
جنبش وعدم انسجام آنرا درمان‌کرد (مطالعه
تاریخ انقلابات و قیام های ایران و اسلام
منبع خوبی برای درس‌گیری است .
۲۱۷ـ بررسی تحلیل، علمی و دقیق عوامل ـ
بوقوع پیوستن ونتایج ناشی‌ازیک واقعـــــه
تاریخی.
۲۱۸ـ شناختن وشناساندن مهره‌های دشمن از
طریق کسب اطلاعات درموردمسئولیت ها عملکرد
ها وارزشی که برای دشمن دارند .
۲۱۹ـ پیداکردن نقاط اتکاء دشمن و مبارزه
درجهت نابودی آنها.

۲۲۰ـ ایجاد احساس مسئولیت درقبال انسانهای دیگر و نسلهای بعدی ازپوسته خودخواهی وخودپرستی بیرون آمدن وتلاش برای تحقق و روحیه مبارزاتی وفداکاری وتحقق اصل هرکس برای همه و همه برای هر کس .

۲۲۱ـ عدم شناختن مکان و زمان برای مبارزه درجهت احیاء منافع مستضعفین .

۲۲۲ـ عدم خیانت درحق مردم درهیچ ناچاری

۲۲۳ـ اصل دانستن مبارزه با علت . درتوجه ویافتن علت است که شیوه صحیح مبارزه را میتوان کشف کرد .

۲۲۴ـ کسب ایمان خلل ناپذیرودانش وسیع ـ درزمینه های جهان بینی اسلام . قرآن و نهج البلاغه ودرزمینه های اجتماعی و سیاسی .

۲۲۵ـ تعرض انقلابی شرط ابقاء انقلابی برای ادامه مبارزه است .

۲۲۶ـ اتکاء به نیروی لایزال الهی . کوشش خودو نیروی بسیارخلق خود .

تهیه‌وتنظیم : دانش اموزان مسلمان دبیرستان
دکترعلی‌شریعتی ـ خرم‌اباد

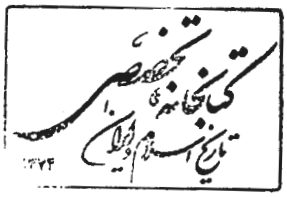

قیمت ۲۰ ریال